

جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۶

وصول مقاله: ۱۳۹۶/۳/۱۷

تأیید نهایی: ۱۳۹۶/۹/۴

صفحات: ۲۶۲ - ۲۴۱

بررسی و مقایسه تطبیقی تمایل به مشارکت در بین ساکنان بافت‌های قدیم و جدید شهری با استفاده از مدل AHP (مورد شناسی: محله‌های بافت قدیم و جدید شهر کرمان)

صدیقه میمندی پاریزی^۱

چکیده

نهادینه‌سازی مشارکت و حضور مردم در فرایند مدیریت شهرها، رمز اصلی موفقیت طرح‌های توسعه شهری و از عوامل کلیدی ارزیابی عملکرد نظام مدیریتی شهری است که می‌تواند منجر به توسعه پایدار شهری شود؛ به همین دلیل امروزه در سطح جهانی، رویکرد «مشارکت محوری» در برنامه‌های شهری تقویت شده است. در این رویکرد مقتضیات هر جامعه بسیار مهم بوده که سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و طراحی الگوها باید متناسب با آن صورت گیرد. به عبارتی، برای پیاده‌کردن برنامه‌ریزی مشارکتی نقطه آغازین، سنجش و اندازه‌گیری میزان تمایل به مشارکت در محله‌های مختلف شهری است تا فرایند برنامه‌ریزی شهری متناسب با تفاوت‌های موجود، نظام داده شده و عملیاتی شود؛ از این رو، هدف اصلی این نوشتار واکاوی و شناخت تمایل به مشارکت در محله‌های مختلف شهری است. پژوهش با استفاده از روش تحقیق پیمایشی و کمی، در چارچوب مدل تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) و تحلیل همبستگی سعی کرده است ابتدا تأثیر ویژگی‌های شخصی و خانوار بر روی میزان مشارکت‌پذیری را بررسی کند و سپس به مقایسه تطبیقی تمایل به مشارکت شهروندان در بافت‌های قدیم و جدید شهر کرمان بپردازد. در نهایت به این نتیجه می‌رسد که در بین ویژگی‌های شخصی، جنسیت، میزان علاقه به محله و عضویت در نهادها با میزان تمایل به مشارکت ارتباط وجود دارد. از بین سطوح مختلف مشارکت، بالاترین میزان تمایل به مشارکت مربوط به مشارکت سیاسی و پایین‌ترین سطح مربوط به مشارکت مالی است. در آخر اینکه، میزان تمایل به مشارکت در بین ساکنان بافت جدید (محله مطهری) بیش‌تر از ساکنان بافت قدیم (محله مسجد ملک) است.

کلید واژگان: مشارکت، مدل AHP، بافت قدیم شهری، بافت جدید شهری.

مقدمه

در دهه‌های اخیر به‌ویژه از اوایل دهه ۱۹۷۰، به‌دنبال نارسایی و انتقادهای وارد شده به روند برنامه‌ریزی شهری قبل از دهه ۱۹۵۰ (مانند طرح‌های شهری کالبدمحور)، مشارکت مهم‌ترین مفهوم در پیوند بین رشته‌ها و بخش‌های مختلف علوم سیاسی، علوم محیطی، علوم اجتماعی، کشاورزی، مدیریت، معماری، جغرافیا و ... در امر برنامه‌ریزی شهری محسوب می‌شود (زاهد زاهدانی، زهری بیدگلی، ۱۳۹۱: ۸۷). کارشناسان مسائل توسعه بر این باورند که در جریان تغییر و تحولات اجتماعی و اقتصادی، مردم به‌عنوان مرکز ثقل، ترکیب‌کننده منابع، امکانات، سرمایه و به‌عنوان عامل اصلی پیش‌برنده برنامه‌های شهری محسوب می‌شوند (زیاری و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۰). از طرف دیگر، در پی روند روبه‌رشد جمعیت و شهرنشینی و بروز مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، مسائلی مانند شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی، گسترش کالبدی بدون برنامه شهرها، شکل‌گیری مجموعه‌های شهری و افزایش هزینه ایجاد زیرساخت‌ها، افزایش مشکلات اجتماعی و فرهنگی مانند ناامنی و جرم و جنایت، وندالیسم شهری، افزایش شکاف طبقاتی فقیر و غنی بسیار بیش‌تر از گذشته دیده می‌شود (علیزاده و همکاران الف، ۱۳۹۲: ۶۵). این مشکلات به‌همراه اهمیت‌یافتن نقش مردم در اداره امور زندگی اجتماعی خود، درس‌گرفتن از تجارب و روندهای توسعه شهری در دهه‌های گذشته، لزوم انطباق طرح‌ها و الگوهای برنامه‌ریزی با نیازها و خواست‌های مردم، ناتوانی مالی دولت‌ها در نوسازی و بهسازی امور، پیچیدگی فزاینده زندگی شهری و تنوع فرهنگی شهروندان، در تقویت رویکرد مشارکت محوری مؤثر بوده‌اند (Luliana, 2013: 292). مشارکت به‌عنوان یک نظام کارکردی در سطح کلان، میانی و خرد با کارکردهای افزایش ثبات اجتماعی، افزایش همکاری‌های اجتماعی برای تقویت جامعه مدنی، تقویت روحیه همبستگی و کاهش تعارضات گروهی، از بین بردن فرهنگ

حاشیه‌نشینی، افزایش توسعه انسانی و عامل برابری، تحقق عدالت اجتماعی - سیاسی (حکمت‌نیا، موسوی، ۱۳۸۱: ۱۳۴) و بسط ارزش‌های دموکراتیک سهیم‌شده در منابع قدرت همراه است (وحید، نیازی، ۱۳۸۳: ۱۲۰). این فرایند علاوه بر دستیابی به اهداف جمعی، سبب افزایش عزت نفس، احساس قدرت، تعامل، کسب تجربه، آگاهی مردم از مهارت‌ها و توانایی‌های خود، تقویت حس اعتماد و اطمینان نسبت به مدیران شهری، بروز خلاقیت شهروندان و ارائه طرح‌ها و پیشنهادها، احساس تعلق بیش‌تر به جامعه شهری نیز خواهد شد (موسایی، شیانی، ۱۳۸۹: ۲۴۸). از دیگر نتایج مشارکت شهروندان در هریک از مراحل و انواع طرح‌های عمرانی و شهری می‌توان به بهبود شرایط عمومی، توزیع قدرت و بالارفتن سطح امید به زندگی، ایجاد سیستم تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و مدیریت محلی و از پایین به بالا (توسعه مشارکتی) با توجه به نیازها، امکانات، توانمندی‌ها و اولویت‌هایشان (علیزاده اقدام و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰۰)، بهبود کارایی و تخصیص هزینه در زمینه اولویت‌های اجتماعی و پروژه‌های زیربنایی، افزایش توانایی‌های یک جامعه برای هماهنگ کردن کنش‌های افراد به منظور توسعه و بهبود کالاهای جمعی ارزشمند و حکومت‌گری بهتر و در نتیجه افزایش فرصت‌های تدوین سیاست‌های هوشمندانه اشاره کرد (حسین‌زاده، ایدر، عباسی، ۱۳۹۱: ۶۳). از طرف دیگر عدم مشارکت شهروندان در اداره امور شهر پیامدهای منفی فراوانی هم برای مدیریت شهری و هم برای ساکنان شهر ایجاد خواهد کرد که از جمله می‌توان به افزایش محدودیت‌ها و مشکلات مدیریت شهری به دلیل افزایش هزینه‌ها و صرف انرژی زیاد و کاهش علاقه عاطفی شهروندان به محل زندگی خود اشاره کرد (ابراهیم‌زاده، فاطمی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۲۲)؛ بنابراین، با توجه به موارد مطرح‌شده، پیروان نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف توجه خود را بر ضرورت اداره مردمی شهرها و حمایت از مشارکت تمام افراد جامعه معطوف ساخته و با بررسی ظرفیت مشارکت‌پذیری

این معنا که هم عوامل اجتماعی و ساختاری و هم ویژگی‌های شخصی را در تبیین مشارکت‌پذیری مدنظر قرار داده است.

پیشینه تحقیق

یکی از نخستین مطالعات در حوزه مسائل شهری مشارکت را برایان مک‌لاین در اوایل دهه ۱۹۷۰ انجام داده است. از نظر او اداره مردمی شهر نوعی فرایند است که متضمن نظام به‌هم‌پیوسته‌ای است که هم حکومت و هم اجتماع را دربر می‌گیرد. افراد دیگری همچون اتکینسن و مک‌کینلی نیز پس از او این بحث را مطرح کردند. این مفهوم نه‌تنها با تشکیلات دولتی و رسمی و همچنین نهادهای شهری و منطقه‌ای که رسماً امور عمومی را اداره می‌کنند، ارتباط می‌یابد؛ بلکه فعالیت بسیاری از گروه‌های سیاسی و اجتماعی دیگر را دربر می‌گیرد (خادم‌الحسینی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۸). در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی، نقش مشارکت شهروندان در جوامع، بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفت (رهنما، ۱۳۸۸: ۱۷۲). در ادامه خلاصه‌ای از پژوهش‌هایی که توسط اندیشمندان مختلف انجام شده است، ارائه می‌شود.

جوامع درپی ایجاد بسترها و یافتن الگوهای مشارکتی مناسب با این بستر و شهروندان برآمدند (Kastlunger et al, 2013:38). با وجود اهمیت و ضرورت فاکتور مشارکت اجتماعی شهروندان در توسعه شهرها و درحالی‌که یکی از نیازهای اصلی کشورمان درجهت توسعه همه‌جانبه و بسط ایده دموکراسی، توجه به مفهوم مشارکت اجتماعی است (قدیری، ۱۳۹۰: ۵۵). این مسئله در ایران سابقه چندانی ندارد، طوری‌که نقش مشارکت مردم در اداره امور شهر بسیار کم‌رنگ و ضعیف است (محسنی، ۱۳۸۳: ۸۵). برای افزایش نقش مشارکتی شهروندان در گام اول بایستی تمایلات و ظرفیت مشارکت‌پذیری آن‌ها در شهرها و عناصر سازمان‌دهنده شهر شامل محله‌های شهری بررسی شود؛ ازاین‌رو، این مقاله درصدد است ضمن بررسی مفهوم مشارکت و مؤلفه‌های مؤثر بر آن، تفاوت‌ها و ظرفیت‌های مشارکت‌پذیری ساکنان در محله‌های مختلف شهری را مورد سنجش قرار دهد. دو محله انتخاب شده در این پژوهش در دو نوع بافت متفاوت شهری، بافت جدید و بافت قدیم شهر کرمان قرار گرفته‌اند. عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندی شناسایی شده و از طریق آزمون‌های آماری و روش‌های کمی به‌صورت تطبیقی در بافت‌های ذکرشده مورد سنجش قرار گرفته‌اند. رویکردی که این پژوهش در بررسی تطبیقی اتخاذ کرده، رویکردی ترکیبی است؛ به

جدول ۱. خلاصه‌ای از پژوهش‌های انجام‌گرفته در موضوع مشارکت

سال	نویسنده	محل	موضوع
۱۹۷۲	شهرداری توندو مانیل	فیلیپین	مشارکت شهروندان در ساخت معابر و گذرگاه‌ها
۱۹۷۲	شهرداری سن‌خوزه	کاستاریکا	مشارکت مردم (به‌ویژه زنان) در تأمین مسکن
۱۹۷۶	دولت مالزی	مالزی	مشارکت مردم در تهیه و اجرای طرح‌های ساختاری
۱۹۸۰	شهرداری برونکس	نیویورک	مشارکت متعامل مدیران و مردم در بهبود محل
۱۹۸۷	دولت سنگال	سنگال	مشارکت مالی و فیزیکی و اجرایی جمعیت ساکن در بهسازی محیط
۱۹۸۸	شفر و رو	لندن	ارتباط ساختارهای اجتماعی و فرایند بقای سیستم با فرایند تحول سیستم
۱۹۹۹	بوروس الونگین	ترکیه	استفاده از مدل AHP در سنجش کیفیت زندگی شهری استانبول
۲۰۰۰	ترنر و بارت	لندن	ارائه مؤلفه‌های اصلی اداره مردمی شهر که عبارت‌اند از: مشروعیت حکومت، مسئولیت و پاسخ‌گویی
۲۰۰۱	دوچرتی و همکاران	مکزیک	فرهنگ مدنی، جامعه و مشارکت شهروندان در محله‌های متضاد
۲۰۰۶	روسی، اسمیت و ولی	نیجریه	الزامی بودن وجود اعتماد برای افزایش مشارکت شهروندان
۲۰۰۷	مری گریسز کوییت و رابرت دابلیو	داکوتای	بررسی تأثیر مشارکت بر ارزیابی شهروندان از موفقیت تلاش‌های معطوف به

کویت	شمالی	بازسازی شهر و سطح اعتماد آنان نسبت به مدیریت شهری
۱۳۷۱	محله ۱۳ آبان تهران	همکاری و مشارکت در ایجاد پارهای خدمات
۱۳۷۹	تهران	بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهر تهران
۱۳۸۰	هنرهای زیبا	تشریح مدل AHP و کاربرد عملی آن در مشارکت
۱۳۸۱	زنجان	شناخت متغیرهایی که موفقیت مردم را در کنترل امور جامعه تضمین می‌کند.
۱۳۸۲	شیرآباد زاهدان	توسعه مشارکتی و بسیج اجتماعی
۱۳۸۶	-	بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی، شبکه و اعتماد متقابل بین شخصی
۱۳۸۶	مشهد	راهکارهای افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان در شهر مشهد
۱۳۸۶	اصفهان	عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ارانته جلفای اصفهان
۱۳۸۸	تبریز	عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در شهر تبریز
۱۳۸۸	رانی و همکاران	رابطه ابعاد مادی و غیرمادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهری
۱۳۸۸	تهران	طراحی الگوهای مشارکت شهروندان در امور شهر تهران
۱۳۸۹	-	سنجش آسیب‌پذیری بافت‌ها با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتب
۱۳۹۱	اصفهان	بررسی تأثیر نهادهای شهری بر مشارکت شهروندان
۱۳۹۱	ارومیه	تحلیل مؤلفه‌های اثرگذار بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها
۱۳۹۳	مشهد	بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری

منبع: نگارنده، (۱۳۹۴)

روش‌شناسی پژوهش

نوع پژوهش: این پژوهش از لحاظ هدف از نوع کاربردی و توسعه‌ای و از لحاظ روش انجام پژوهش، توصیفی - تحلیلی به همراه کاوش‌های میدانی است. در بخش‌هایی از تحقیق از روش علی و همبستگی استفاده شده است و ماهیت داده‌ها نیز از نوع کمی است.

جامعه آماری: جامعه آماری این پژوهش ساکنان محله مطهری به‌عنوان محله‌ای دارای بافت جدید و محله مسجد ملک، دارای بافت قدیمی، در شهر کرمان است. واحد و مبنای جامعه مورد سنجش، خانوارهای ساکن در قطعات بناهای مسکونی است.

روش‌های نمونه‌برداری: برای تعیین نمونه‌های پرسشنامه از روش خوشه‌بندی چندمرحله‌ای استفاده می‌شود. بدین منظور سطح محله براساس زیرمحله‌ها، بلوک‌ها و قطعات موجود تقسیم‌بندی شده و نمونه‌ها از میان آنها انتخاب می‌شوند. قابلیت نمونه‌گیری خوشه‌ای در انتخاب نمونه‌ها از سطح جغرافیایی بزرگ

در جمع‌بندی مطالعات صورت‌گرفته در زمینه مشارکت شهروندان می‌توان بیان داشت که مشارکت عالی‌ترین سطح از کنترل شهروندی است و زندگی شهروندان را در جهت بهبود آن تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. همچنین نگرش شهروندان از مشارکت مبتنی بر کمک فکری و ارائه پیشنهادها می‌باشد. مشارکت خود عوامل گوناگون و انواعی دارد که محققان هرکدام از آنها را (از جمله مشارکت شهری، مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، تفریحی و غیره) مورد بررسی قرار داده‌اند.

در زمینه کاربست مدل AHP در سنجش پتانسیل مشارکت‌پذیری محله‌ها با توجه به جستجوهای انجام‌گرفته، موردی حاصل نشد. باین حال، می‌توان از به‌کار بستن این مدل در بررسی موارد دیگری از مشارکت در داخل و خارج اشاره کرد که از جمله آن‌ها می‌توان به مقالات چاپ‌شده توسط ال‌ساعتی، زبردست، فرهودی، احدنژاد و... اشاره کرد.

برابر با ۰/۸۳۵ به دست آمد که بیانگر پایایی پرسش‌ها است.

ابزارهای پژوهش: برای سنجش شاخص‌ها از روش پیمایش میدانی استفاده می‌شود و بدین منظور سطح آخر مدل تحلیل برای تدوین سؤالات پرسشنامه مورد استفاده قرار می‌گیرد. پرسشنامه‌ها براساس طیف لیکرت نشان‌دهنده اطلاعات کیفی به دست آمده از پرسشنامه‌ها در هر محله، در محیط نرم‌افزار SPSS وارد شده و تجزیه و تحلیل می‌شوند. مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره و مراحل بعدی در آن‌ها صورت می‌گیرد و داده‌های به دست آمده در دو محله با یکدیگر مقایسه شدند.

مدل تجربی تحقیق: چارچوب نظری و پیشینه پژوهش مبتنی بر ترکیبی از نظریه‌های اندیشمندان مختلف و تجارب کشورها، رفتارهای مشارکتی را متأثر از چهار زمینه دانسته که بخشی از آن از خصایص درونی و بخشی عوامل بیرونی ناشی می‌شود. این عناصر در ارتباط متقابل میان اعضای جامعه در کنش‌های اجتماعی شکل می‌گیرد و توسط ساختارهای جامعه مشروط می‌شود. با توجه به این موارد، شکل ۱ به عنوان مدل تجربی تحقیق در نظر گرفته شده است.

به سطوح کوچک است. این قابلیت باعث می‌شود تا نمونه‌های تعیین شده تمامی سطح محله را به صورت متعادل و متوازن پوشش دهند.

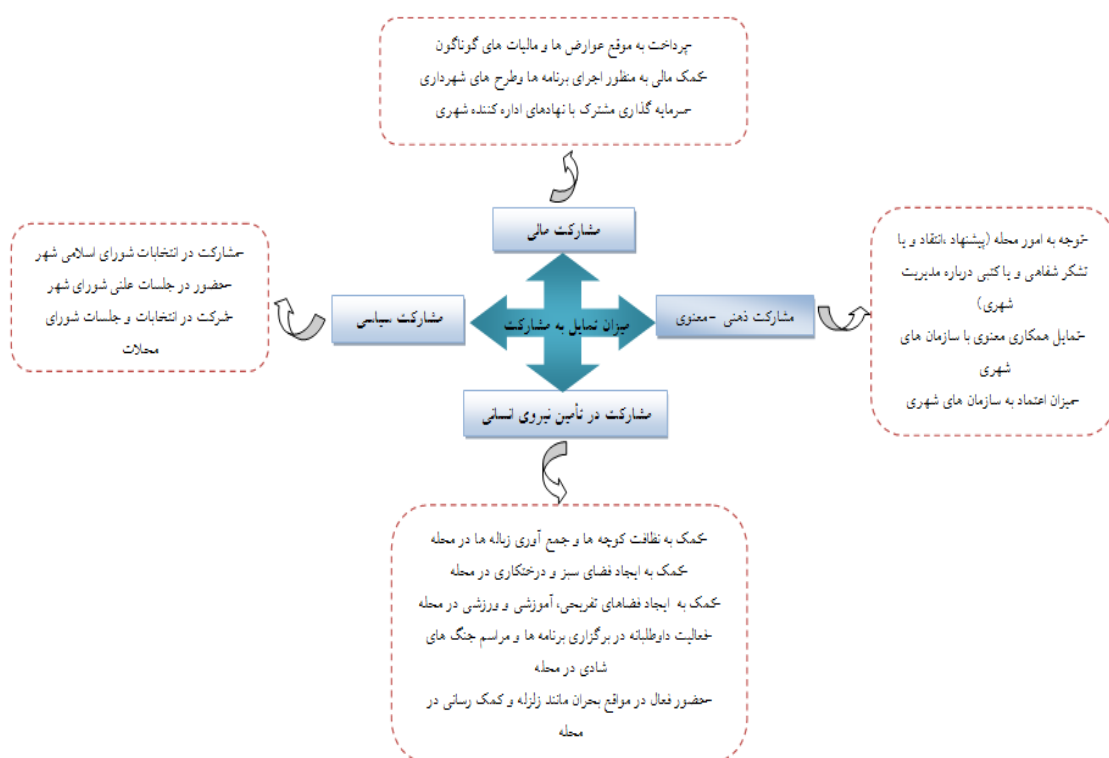
گروه نمونه: در رابطه با حجم نمونه‌های مورد بررسی نیز با توجه به ویژگی‌های همگنی جمعیت و محاسبات آماری و با در نظر گرفتن ضریب ۱۰ درصد برای پرسشنامه‌های مخدوش و از طریق فرمول کوکران، حجم نمونه برای محله شهرک مطهری ۱۰۰ پرسشنامه و برای محله مسجد ملک ۹۰ پرسشنامه در نظر گرفته شده است. فرمول کوکران عبارت است از:

$$n = \frac{Nt^2 * pq}{Nd^2 + t^2 pq}$$

n: حجم نمونه؛ N: تعداد کل افراد جامعه؛ t^2 : سطح اطمینان نمونه‌گیری. (در سطح اطمینان ۹۵ درصد مقدار t یا $Z = 1/96$ و در سطح اطمینان ۹۹ درصد مقدار t یا $Z = 2/58$)؛ d: مقدار خطای قابل تحمل که معمولاً ۰/۰۵ یا ۰/۱ است؛ p: برآوردی از نسبت افراد جامعه که دارای ویژگی مورد نظر در تحقیق می‌باشند؛ q: برآوردی از نسبت افراد جامعه که دارای ویژگی مورد نظر در تحقیق نمی‌باشند. مقدار p, q را می‌توان ۰/۵ در نظر گرفت که در این صورت حجم نمونه حداکثر خواهد بود.

در پژوهش حاضر مقدار خطا ۰/۱ و مقدار $t = 1/96$ لحاظ شده است. با توجه به تعداد خانوار، محله مطهری که حدود ۱۴۶۰ خانوار است و ضریب ۱۰ درصد برای پرسشنامه‌های مخدوش، تعداد پرسشنامه‌ها عدد ۹۹,۱۲ به دست می‌آید که در نهایت ۱۰۰ پرسشنامه جمع‌آوری شده است و برای محله مسجد ملک با تعداد ۱۱۶۰ خانوار عدد ۸۸,۶۹ به دست می‌آید که در نهایت ۹۰ پرسشنامه لحاظ شده است.

در بررسی روایی پرسشنامه از روایی صوری (ذهنی)، ایده‌های کارشناسان و مطابقت با مطالعات قبلی استفاده شده است. برای بررسی پایایی پرسشنامه، از شیوه همسانی درونی (آلفای کرونباخ) استفاده شده و با ضریب اطمینان ۹۵ درصد، ضریب آلفای کرونباخ



شکل ۱. مدل تجربی بررسی میزان تمایل به مشارکت در بین ساکنان

(منبع: نگارنده، ۱۳۹۴)

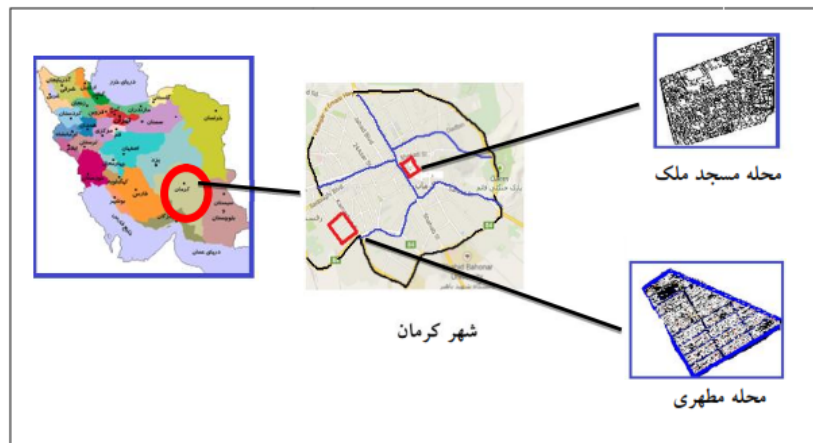
شناخت عرصه پژوهش

شهر کرمان در موقعیت ۵۷ درجه و ۴ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۰ درجه و ۱۷ دقیقه عرض جغرافیایی در دشتی مابین دو رشته جبال زاگرس واقع شده است. ارتفاع این شهر از سطح دریا به طور متوسط حدود ۱۷۶۰ متر می باشد.

محله مطهری (بافت جدید): ساختار این محله منظم و شطرنجی بوده و از لحاظ اجتماع پذیری و جذب شهروندان شهر، جزء محله های برتر شهر کرمان است. موقعیت جغرافیایی این محله در غرب شهر کرمان در کنار سایت ۵۷ هکتاری مسکن مهر می باشد. جمعیت محله مطهری در حدود ۵۳۲۰ نفر و حدود ۱۱۴۵ خانوار است. این محله در تراکم کم با تراکم ۳۰۰ نفر در هکتار، تراکم متوسط با تراکم ۳۵۵ نفر در هکتار و تراکم زیاد با تراکم ۴۴۸ نفر در هکتار پذیرای جمعیت است (مطالعات طرح تفصیلی کرمان، ۱۳۹۰:۳۴۱).

محله مسجد ملک (بافت قدیم): این محله از

قدیمی ترین محله های شهر کرمان به حساب می آید. ساختار این محله ارگانیک و غیرمنظم و دارای بافت ریزدانه است. موقعیت جغرافیایی آن در قسمت مرکزی شهر کرمان است. وجه تسمیه این محله به مسجدی قدیمی که داخل محله قرار دارد برمی گردد. دوره ساخت این مسجد به دوره سلاطین سلجوقی و در زمان حکمرانی و فرمانروایی ملک تورانشاه سلجوقی می رسد که در سال ۴۳۳ هجری در کرمان به حکومت رسیده است؛ بنابراین، مسجد ملک حدود ۱۰ قرن قدمت دارد و از آثار و بناهای ارزشمند و خاص دوره اسلامی در شهر کرمان به حساب می آید و از این نظر به عنوان نمادی هویت بخش در تاریخ معماری و شهرسازی شهر و محله خودنمایی کرده و در کیفیت محیطی و ارتقاء هویتی مؤثر بوده است. جمعیت محله مسجد ملک حدود ۴۲۴۷ نفر و تعداد خانوار آن ۹۸۸ است (همان: ۳۷۸).



شکل ۲. موقعیت محدوده پژوهش در شهر کرمان

(منبع: نگارنده، ۱۳۹۴)

آن بحث‌های فراوانی شده است. در دایره‌المعارف برنامه‌ریزی شهری، مشارکت عمومی اینگونه تعریف شده است: «مشارکت عمومی در شهرسازی ابزاری است که به وسیله آن اعضای جامعه قادر می‌شوند تا در تدوین سیاست‌ها و طرح‌هایی شرکت کنند که بر روی محیط زندگی آنها مؤثر هستند» (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۰۵). نظریه‌پردازان گوناگونی به تبیین مشارکت و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند که هرکدام از نظریات ارائه‌شده توسط آنان بخشی از واقعیت رفتار مشارکتی و مشارکت‌پذیری را دربر می‌گیرد. در ادامه تعدادی از مهم‌ترین نظریه‌ها و تعاریف برای مشارکت آورده شده است.

مبانی مفهومی و نظری

در راستای رسیدن به هدف پژوهش، در ابتدا معنی و مفهوم مشارکت مشخص شده تا با استفاده از آن، شاخص‌های دقیق و محکمی برای سنجش مشارکت‌پذیری (تمایل به مشارکت) شهروندان تعیین شود. پس از آن موضوع برنامه‌ریزی مشارکتی با نگاه خاص برنامه‌های شهری مورد بررسی قرار گرفته است و در انتها الگوهای مشارکتی برای دستیابی به مدل تجربی پژوهش بیان شده است.

مفهوم مشارکت

واژه مشارکت از جهت لغوی به معنای درگیری و تجمع برای منظور خاص می‌باشد. درباره معنای اصطلاحی

جدول ۲. خلاصه‌ای از تعاریف مشارکت از دیدگاه اندیشمندان مختلف

منبع	تعریف مشارکت	اندیشمند
(پورا احمد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶)	مشارکت به‌نوعی همزیستی مسالمت‌آمیز است. فارابی به‌طور بالقوه بر موضوع مشارکت تأکید می‌کند و افراد را ملزم به زندگی با مشارکت و تعاون با یکدیگر می‌داند و پیشبرد امور مردم را محتاج به معاونت و کمک امت و ملت به یکدیگر می‌داند.	فارابی
(Luliana, 2013: 94)	مشارکت شهروندان عبارت است از فراهم‌ساختن فرصت‌هایی برای شهروندان به منظور شرکت در تصمیمات دولتی یا فرایندهای برنامه‌ریزی.	جیمز گلس
(باقری‌بنجار، رحیمی، ۱۳۹۰: ۲۱)	دو پارامتر تحرک اجتماعی و عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی زمینه را برای بسط مشارکت اجتماعی فراهم می‌کنند.	هانتینگتون و نلسون
(Lerner, 1964: 57)	عواملی چون سواد، میزان شهرنشینی، دسترسی به رسانه‌های جمعی و همگانی و نهایتاً ارتباطات اجتماعی را با مشارکت اجتماعی مرتبط می‌داند و معتقد است این متغیرها در جامعه مدرن بیش‌تر نمود دارند. او از جامعه جدید با عنوان جامعه مشارکتی نام می‌برد.	دانیل لرنر
(Bannet, 2004: 189)	مشارکت عبارت است از حساس‌سازی مردم و درنهایت افزایش پذیرش و توانایی آنان برای پاسخ‌گویی به برنامه‌های توسعه از طریق درگیر کردن آنان با تصمیم‌گیری، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها، براساس تلاش‌های سازمان‌یافته.	اوکلی

کلیتون	مشارکت در جوامع محلی فرایند فعالی است که به موجب آن، گروه‌های بهره‌ور یا مراجعان، بر هدایت اجرای یک طرح توسعه با هدف افزایش رفاه و آسایش خود از لحاظ درآمد، رشد فردی، خوداتکایی یا دیگر ارزش‌هایی که برای آنان گرامی است، تأثیر می‌گذارند.	(کلیتون و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۱)
فروستر	مشارکت عبارت است از فرایند و حق اساسی که طی آن مردم به صورت دسته‌جمعی و به‌طور عاقلانه، با آگاهی، اراده و رغبت در زمینه‌های خاص و با پذیرش مسئولیت سعی در ارضای نیازهای روحی و روانی فردی و گروهی داشته و با همیاری یکدیگر رسیدن به اهداف ازپیش تعیین‌شده براساس نیازهای واقعی در چارچوب امکانات و محدودیت‌ها، به‌منظور تقویت هویت فردی و جمعی در جامعه تلاش می‌کنند.	(Froster, 1999: 206)
هارپر	مشارکت فرایندی است که به افراد اجازه می‌دهد در قدرت مدیریت، برای اخذ تصمیم‌های سازمانی سهیم شوند.	(علیزاده اقدام و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۰۰)
برنامه توسعه سازمان ملل متحد	مشارکت درگیری فعال افراد ذی‌نفع یا بهره‌برداران در ارائه پندارها و تلفیق بهینه زمان و منابع، تصمیم‌گیری و کنش در جهت تحقق یک هدف مطلوب توسعه است.	(حسینی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۴)
مار تیانسن	مشارکت قدرت و توانایی مردم برای دگرگونی واقعیت از طریق تغییرات اجتماعی است.	(Sen, 1999: 86)
پیترسون	مشارکت سیستمی از مدیریت است که در قالب آن افراد بر تصمیم‌های توسعه‌ای اثر می‌گذارند.	(خادم‌الحسینی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۸۵)
پاپلی یزدی	مشارکت دربردارنده تمام فعالیت‌هایی است که بر تصمیم‌گیری‌ها و تخصیص منابع مؤثر است و بایستی به‌گونه‌ای طراحی و سامان‌دهی شود که انتظارات جامعه را فراهم سازد	(اقتصادی، ۱۳۹۲: ۶)
واعظ مهدوی و همکاران	مشارکت عبارت است از: ۱. همکاری داوطلبانه شهروندان محله‌های مختلف شهر در اجرای برنامه‌های همگانی بدون ایفای نقش در طراحی برنامه‌ها؛ ۲. درگیری شهروندان مختلف شهر در طراحی، اجرای ارزشیابی برنامه‌ها و بهره‌برداری ازمنافع آن؛ ۳. مشارکت فرایندی فعال است که در آن شهروندان محله‌های مختلف شهر به‌عنوان ذی‌نفعانی فهیم و مصمم، نتیجه برنامه را متأثر ساخته و به رشد فردی، گروهی و جمعی می‌رسند.	(عبداله پور، مختارپور، ۱۳۹۲: ۱۶۱)
محسنی تبریزی	مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند.	(عبداله پور، مختارپور، ۱۳۹۲: ۱۶۱)

(منبع: نگارنده، ۱۳۹۴)

(هانیتگتون، ۱۳۸۵: ۸۸). مشارکت به‌عنوان یک فرایند اجتماعی در قالب دو گرایش عام و خاص قابل بررسی است که گرایش عام را مشارکت سنتی و گرایش خاص را مشارکت مدرن می‌نامند (موسایی، رضوی‌اله‌اشم، ۱۳۸۹: ۱۳۷).

برنامه‌ریزی مشارکتی

انتقاد از برنامه‌ریزی سنتی (مانند برنامه‌ریزی جامع و تفصیلی) و بیان و پشتیبانی آن از منافع و ارزش‌های طبقه متوسط جامعه، حرکتی بود به‌سمت هرچه دموکراتیک کردن فرایندهای تصمیم‌گیری و مشارکت دادن مردم در آن فرایندها (عبادی دانش‌پور، ۱۳۸۷: ۱۲۱). نظریه برنامه‌ریزی مشارکتی، بر

با مرور دیدگاه‌ها و تعاریف، می‌توان دریافت که مشارکت اجتماعی پدیده‌ای چندبُعدی است که تحقق آن نیازمند شرایط و الزامات خاص است. مشارکت در یک سنت فکری وسیله و ابزار نیل به توسعه و در سنت فکری دیگر در قالب رشد توانایی‌ها و خلاقیت‌های شهروندان مورد توجه قرار گرفته است. هانتینگتون در جوامع درحال توسعه دو عامل را در گسترش مشارکت بسیار مؤثر دانسته است؛ اول، نگرش نخبگان سیاسی در قبال مشارکت و برخورداری آنان از امکانات و منابع برای تشویق مردم؛ دوم، آگاهی گروهی و انسجام اجتماعی، بسته به ریشه‌دار بودن و گستردگی سنت‌های زندگی جمعی، فعالیت در انجمن‌ها و نهادهای جمعی

مختلفی چون میزان تمایل به کار گروهی، مشارکت در رفع مشکلات محله و... اندازه‌گیری شده و با توجه به این سنجش طرح‌ریزی برنامه مشارکتی در ابعاد مختلف اقدام می‌شود. وجود قابلیت بالای مشارکت در مردم، افزایش توان اجرایی برنامه‌ریزی را به دنبال خواهد داشت. در مواقعی که قابلیت مشارکت بالفعل در وضع موجود محل پایین است، قبل از اقدام به اجرای برنامه‌ریزی مشارکتی بالابردن ظرفیت مشارکت‌پذیری محل با طرق مختلف چون آگاه‌سازی، اعتمادسازی، اطلاع‌رسانی (بسته رسانه‌ای، گروه‌های مشورتی، نشست‌های عمومی، کارگاه‌ها) شرط لازم است (دویران و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۸).

الگوهای مشارکت

سنجش دقیق مشارکت و تمایلات مشارکتی شهروندان در اداره امور شهری، علاوه بر تعاریف مفهومی آن نیازمند ارائه الگوهای گوناگون است. علوی تبار (۱۳۷۹) الگوهای مشارکت را برحسب سه معیار نوع مشارکت، زمینه مشارکت و سازمان‌دهی مشارکت طبقه‌بندی کرده است. برحسب نوع مشارکتی که افراد در یک الگو دارند و در واقع برحسب بخشی از انجام فعالیت که در آن سهیم می‌شوند، می‌توان سه نوع الگوی مشارکت: مشارکت در تأمین مالی هزینه انجام طرح‌ها، مشارکت در تأمین نیروی انسانی لازم برای انجام فعالیت‌ها و مشارکت سیاسی را از یکدیگر متمایز ساخت (عبداله‌پور، مختارپور، ۱۳۹۲: ۱۶۱). درباره الگوی مبتنی بر زمینه مشارکت باید گفت که به دلیل گستردگی فعالیت‌هایی که توسط مدیریت در شهرها انجام می‌گیرد، زمینه‌های مختلفی از مشارکت را مانند فعالیت‌های عمرانی (ایجاد خیابان و کوچه، ایجاد میدان‌ها، ایجاد پل و غیره)، امور محیط‌زیست (ایجاد فضای سبز و زیباسازی شهر و غیره)، امور تأمین امنی شهر (ایجاد ایستگاه‌های آتش‌نشانی، رفع خطر از بناها و غیره)، فعالیت‌های نظارتی (نظارت بر حسن انجام قوانین و مقررات مربوط به زندگی شهری)، خدمات شهری (تنظیف معابر و دفع زباله، ارائه خدمات

پایه اعتقاد به دموکراسی، کثرت‌گرایی و جامعه مدنی استوار است. از این دیدگاه تصمیم‌گیری درباره توسعه و عمران شهر یا منطقه باید توسط همه کسانی انجام گیرد که در آن مؤثر و ذی‌نفع هستند و می‌باید براساس عدالت، آزادی و حق انتخاب شهروندان استوار شود. برای تحقق این امر واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری بیش‌ازپیش به عهده نهادهای اجتماعات محلی، نهادهای غیرحکومتی، شوراهای محلی، گروه‌های کارشناسی و مانند آن حائز اهمیت است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۰۷). گسترش پایه مشارکت در فرایند برنامه‌ریزی، یکی از رهیافت‌های مهم برنامه‌ریزی راهبردی محسوب می‌شود که ارزیابی نقش تمام عوامل و نیروهای مؤثر در حیات شهر را ایجاب کرده و نحوه حضور و دخالت آن‌ها در تحولات حال و آینده شهر را به درستی تعیین می‌کند. شهر در نهایت به عامه شهروندان تعلق دارد و هدف نهایی هر نوع برنامه‌ریزی شهری به تأمین آسایش و راحتی آنان است؛ بنابراین ضروری است که ذی‌نفعان در شکل‌گیری، توسعه و نظارت و چگونگی بهره‌گیری از امکانات شهری دخالت فعال و مؤثر داشته باشند. از این دیدگاه مشارکت شهروندان در روند توسعه و عمران شهر یک پدیده فرعی یا یک تدبیر سیاسی و اخلاقی نیست؛ بلکه یکی از ابزارهای لازم برای موفقیت در تهیه و اجرای برنامه‌های شهری محسوب می‌شود (علوی تبار، ۱۳۸۲: ۱۵). آنچه در فرایند این برنامه‌ریزی و بنیان‌نهادن پایه‌های آن حائز اهمیت است. شناسایی اصول اولیه و پایه‌های اساسی مشارکت در فضای برنامه‌ریزی است. شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌ها و پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل مشارکت مردمی در فضای محله‌ای و به تعبیری دیگر سنجش ظرفیت مشارکت‌پذیری مردم محل و به تبع آن ظرفیت اجرای برنامه‌ریزی مشارکتی در محله، همواره پایه‌گذار تهیه و اجرای موفق فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی به‌شمار می‌رود؛ بنابراین، پیش‌شرط برنامه‌ریزی مشارکتی آگاهی، شناخت و مطالعه شاخص‌های تعیین‌شده در برنامه‌ریزی مشارکتی است که در آن قابلیت‌های

شخصی و خانوار بر روی میزان تمایل مشارکت‌پذیری در دو محله است. برای مقایسه میانگین مشارکت‌پذیری در دو محله در بین گروه‌بندی‌های مختلف ساکنان هر دو محله، ابتدا نرمال‌بودن توزیع داده‌ها در این گروه‌ها بررسی شد. بدین منظور از آزمون تک‌نمونه‌ای کولموگروف-اسمیرنف^۱ استفاده شد. براساس نتایج این آزمون، توزیع داده‌ها در گروه‌های موردنظر نرمال است ($P < 0.05$). حال با آزمون‌های t تک‌نمونه‌ای و پی‌رسون به بررسی ارتباط میان متغیرهای شخصی و خانوار (جنسیت، سن، میزان تحصیلات، درآمد، نوع تصرف واحد مسکونی، مدت سکونت در محله، تمایل به محله و عضویت سازمانی) و میزان تمایل به مشارکت پرداخته شده است.

مربوط به غسالخانه و گورستان و غیره) و امور رفاه اجتماعی (تأسیس فرهنگسراها، تأسیس کتابخانه، ایجادخانه‌های محله و غیره) می‌توان در شهرها شناسایی کرد. (زیاری و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۱۹). برحسب نوع سازمان‌دهی، می‌توان دو نوع سازمان‌دهی الگوهای مشارکت را از یکدیگر متمایز ساخت؛ در نوع نخست که اساساً شکل‌های خودجوش و خودانگیخته جامعه را شامل می‌شود، سازمان‌دهی بدون توجه به دستاوردهای دانش جدید مدیریت صورت گرفته و مبتنی بر تجربیات شخصی و سنن اجتماعی است. در نوع دوم که شکل‌های رسمی یا نسبتاً رسمی و برانگیخته را شامل می‌شود، سازمان‌دهی بر مبنای دستاوردهای فنون مدیریتی جدید و با هدف حداکثر کارایی صورت می‌پذیرد (Allik, Realo, 2008:451).

تحلیل یافته‌ها و نتایج پژوهش

بررسی تأثیر ویژگی‌های شخصی و خانوار بر روی

تمایل به مشارکت‌پذیری

یکی از اهداف این پژوهش، بررسی تأثیر ویژگی‌های

جدول ۳. شاخص همبستگی بین متغیرهای شخصی و خانوار و تمایل به مشارکت‌پذیری

جنسیت	سن	میزان تحصیلات	درآمد	نوع تصرف واحد مسکونی	مدت سکونت در محله	تمایل به محله	عضویت سازمانی
اسمی	فاصله‌ای	فاصله‌ای	فاصله‌ای	اسمی	فاصله‌ای	فاصله‌ای	اسمی
t	r	r	r	t	r	r	t
۳/۲۵	۰/۰۰	-۰/۰۱	۰/۱	-۰/۰۲	۰/۰۹	۰/۲۸	۵/۰۳
۰/۰۰	۰/۸۷	۰/۵۹	۰/۰۶	۰/۰۱	۰/۰۶	۰/۰۰	۰/۰۰
۱۹۰	۱۹۰	۱۸۹	۱۵۴	۱۸۶	۱۹۰	۱۸۵	۱۸۹
تأیید	رد	رد	رد	رد	رد	تأیید	تأیید

(منبع: نگارنده، ۱۳۹۴)

آزمون، میانگین امتیاز مشارکت‌پذیری در دو محله به‌دست آمد. شیوه ارزش‌گذاری سؤالات پرسشنامه مبتنی بر روش طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت بوده و بر این اساس رتبه‌های ۱ تا ۵ به پاسخ‌ها اختصاص داده شد. امتیاز ۱ نشان‌دهنده کم‌ترین میزان تمایل به مشارکت مربوط و امتیاز ۵ نشان‌دهنده بیش‌ترین میزان تمایل به مشارکت است. به این ترتیب عدد ۳ به‌عنوان میانه نظری پاسخ‌ها انتخاب شد. همانطور که از شکل ۳ مشخص است، در همه معیارهای مشارکت‌پذیری محله مطهری، تمایل به همکاری بیش‌تر از محله مسجد ملک می‌باشد. در محله مطهری تنها در سه مورد پرداخت به‌موقع عوارض و مالیات‌های گوناگون، میزان اعتماد به سازمان‌های شهری و کمک به ایجاد فضای سبز و درختکاری در محله تمایل به مشارکت کمتر از مقدار میانه (۳) است. همچنین بیش‌ترین میزان مشارکت‌پذیری در کمک به ایجاد فضاهای تفریحی، آموزشی و ورزشی در محله است و میزان اعتماد به سازمان‌های شهری کمترین امتیاز را به خود اختصاص داده است. در محله مسجد ملک تنها تمایل به همکاری معنوی با سازمان‌های شهری از عدد میانه بزرگ‌تر است و متأسفانه کمک به ایجاد فضاهای سبز و درختکاری در محله کمترین امتیاز را به خود اختصاص داده است.

با توجه به نتایج آزمون‌ها در جدول ۳ در مجموع در دو محله بین متغیرهای جنسیت، تمایل به محله و عضویت سازمانی با متغیر مشارکت‌پذیری ارتباط معناداری وجود دارد؛ اما بقیه موارد ارتباطی معنادار با میزان مشارکت‌پذیری ندارند.

✓ در محله‌های مطهری و مسجد ملک، تمایل به مشارکت‌پذیری در بین ساکنان مرد از زن بیش‌تر است.

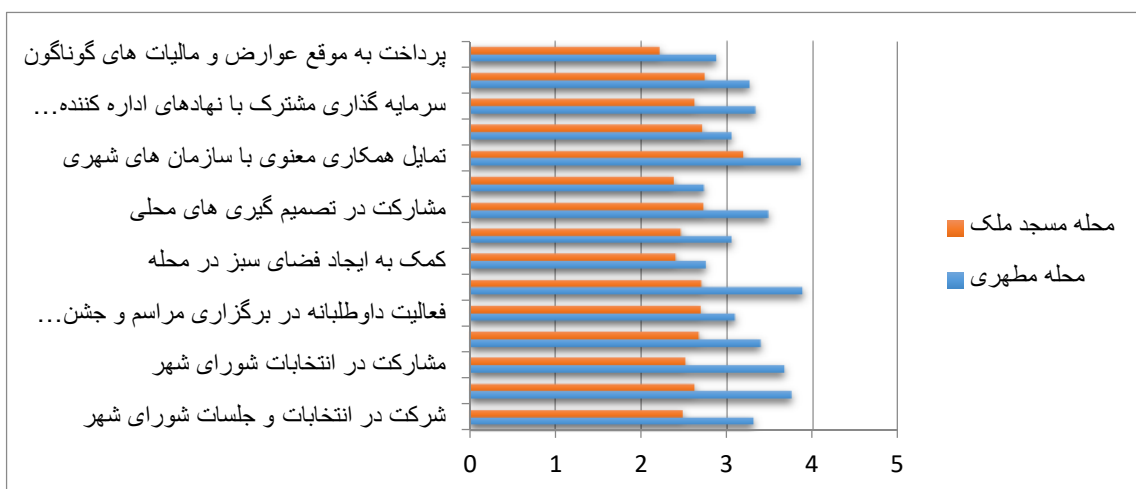
✓ در هر دو محله تمایل و علاقه به محله رابطه مستقیمی با میزان مشارکت‌پذیری دارد؛ بدین ترتیب که هرچه میزان تمایل و علاقه به محله بیش‌تر باشد، مشارکت‌پذیری بیش‌تر است.

✓ در هر دو محله عضویت سازمانی رابطه مستقیمی با میزان مشارکت‌پذیری دارد؛ بدین ترتیب که افرادی که در سازمان‌ها، گروه‌ها و انجمن‌هایی عضویت دارند، تمایل به مشارکت‌پذیری بیش‌تری دارند.

وضعیت میزان تمایل مشارکت‌پذیری ساکنان به

تفکیک معیارها و زیرمعیارهای سازنده آن

برای به‌دست آوردن میزان تمایل مشارکت‌پذیری کلی از طرف ساکنان در هر یک از معیارهای سازنده آن، از آزمون T تک‌نمونه‌ای^۱ استفاده شد. با استفاده از این



شکل ۳. وضعیت تمایل مشارکت‌پذیری در زیرمعیارهای سازنده آن

(منبع: نگارنده، ۱۳۹۴)

جدول ۴. نتایج شاخص KMO و آزمون بارتلت در سؤالات تمایل مشارکت پذیری

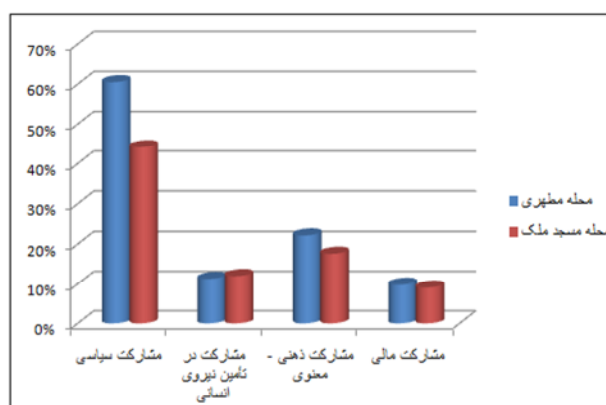
Kaiser – Meyer- Olkin Measure of Sampling Adequacy		۰/۶۴۳
Bartlett's Test of Sphericity	Approx . Chi-square	۹۷۱/۰۶۹
	df	۳۷۸
	Sig.	۰/۰۰

(منبع: نگارنده، ۱۳۹۴)

استفاده از روش AHP^۵ برای رتبه‌بندی و تعیین میزان اهمیت عوامل مشارکت‌پذیری

به‌منظور رتبه‌بندی معیارها و زیرمعیارهای میزان تمایل مشارکت‌پذیری از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) بهره‌گیری شده است. در علم تصمیم‌گیری که در آن انتخاب یک معیار از بین معیارهای موجود و یا اولویت‌بندی پارامترها مطرح است، چند سالی است که روش‌های تصمیم‌گیری با شاخص‌های چندگانه «MADM»^۶ جای خود را باز کرده‌اند. از این میان روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) بیش از سایر روش‌ها در علوم مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. براساس روش AHP (فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی) بایستی به وزن‌دهی معیارها و زیرمعیارها و گزینه‌ها پرداخته شود (قدسی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۰۸). در واقع هرکدام از وزن‌ها و رتبه‌ها نشان‌دهنده میزان تأثیرگذاری هریک از متغیرهای ذکرشده (زیرمعیارهای ظرفیت مشارکت‌پذیری) بر متغیر تمایل به مشارکت است. برای انجام این کار، ابتدا آمار توصیفی داده‌ها از طریق کار با نرم‌افزار SPSS و Expert Choice استخراج و تحلیل شدند و زیرمعیارهای مختلف مطرح‌شده مورد سنجش واقع شدند و وزن و رتبه هرکدام از زیر معیارها در هر محله مشخص شد. به این صورت که برای رسیدن به نتیجه‌ای به واقعیت نزدیک‌تر، وزن‌های موردنیاز برای سنجش هریک از معیارهای سطح اول و دوم توسط کارشناسان و متخصصان علمی رشته‌های مختلف همچون شهرسازی، علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری تعیین شده و مدل AHP

همچنین میزان تمایل به مشارکت در هرکدام از معیارهای اصلی با توجه به شکل ۴ مشخص است که بالاترین میزان تمایل به مشارکت در هر دو محله، مربوط به مشارکت سیاسی است. بعد از آن مشارکت ذهنی- معنوی، سپس مشارکت در تأمین نیروی انسانی و در آخر مشارکت مالی است. قابل توجه اینکه این روند در هر دو محله وجود دارد.



شکل ۴. وضعیت تمایل مشارکت‌پذیری در معیارهای سازنده آن (منبع: نگارنده، ۱۳۹۴)

بررسی میزان صحت مدل تجربی تمایل به مشارکت

در این قسمت به بررسی میزان صحت دسته‌بندی مدل تجربی تمایل مشارکت‌پذیری پرداخته شده است. با توجه به جدول شماره ۴ نتایج شاخص KMO^۱ نشان می‌دهد که کفایت مدل در حد متعادلی مورد تأیید است (KMO بین ۰,۶ تا ۰,۷). آزمون بارتلت^۲ هم این مسئله را تأیید می‌کند. لازم به ذکر است که در این تحلیل برای استخراج مؤلفه‌ها از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی^۳ و برای دوران عامل‌ها از دوران وارماکس^۴ استفاده شد.

1- Kaiser- Meyer -Olkin
2- Bartlett
3- Principal Component Analysis
4-Varimax With Kaiser Normalization

5-Analytical Hierarchy Process
6-Multiple Attribute Decision Making

در ادامه جداول شماره ۵ تا ۱۴ برآیند هندسی وزن معیارها را که از نظرات کارشناسان به دست می‌آید، برای محله مطهری و مسجد ملک در هرکدام از زیرمعیارهای مشارکت و در انتها برای مشارکت به صورت کلی مشخص کرده است.

پیاده شد. برای تعیین برآیند نظرات کارشناسان، پس از تکمیل جدول نظرخواهی AHP که براساس تعیین ارجحیت هرکدام از عوامل به یکدیگر است، از میانگین هندسی استفاده کرده‌ایم. بدین صورت که از نظرات همه کارشناسان درخصوص ارجحیت عوامل، برآیندی به صورت زیر حاصل شده است:

$$\bar{X} = \sqrt[n]{\prod_{i=1}^n x_i}$$

جدول ۵. وزندهی زیرمعیارهای مشارکت مالی نسبت به هم

مشارکت مالی	پرداخت به موقع عوارض و مالیات‌های گوناگون	کمک مالی به منظور اجرای برنامه‌ها و طرح‌های شهرداری	سرمایه‌گذاری مشترک با نهادهای اداره‌کننده شهری
پرداخت به موقع عوارض و مالیات‌های گوناگون	۱	۰/۸	۰/۳
کمک مالی به منظور اجرای برنامه‌ها و طرح‌های شهرداری	۱/۲	۱	۰/۳
سرمایه‌گذاری مشترک با نهادهای اداره‌کننده شهری	۳/۶	۳/۶	۱

(منبع: نگارنده، ۱۳۹۴)

اعداد آن ستون تقسیم می‌کنیم. ماتریس جدیدی که بدین صورت به دست می‌آید، «ماتریس مقایسه‌های نرمال شده» نامیده می‌شود. میانگین اعداد هر سطر از ماتریس مقایسه‌های نرمال شده را محاسبه می‌کنیم. این میانگین وزن نسبی عناصر تصمیم با سطرهای ماتریس را ارائه می‌کند (جدول ۶).

قدم بعدی در فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، انجام محاسبات لازم برای تعیین اولویت هر یک از عناصر تصمیم با استفاده از اطلاعات ماتریس‌های مقایسه‌های زوجی است. خلاصه عملیات ریاضی در این مرحله به صورت زیر است:

مجموع اعداد هر ستون از ماتریس مقایسه‌های زوجی را محاسبه کرده، سپس هر عنصر ستون را بر مجموع

جدول ۶. جدول نرمال شده AHP برای زیرمعیارهای مشارکت مالی

معیار	میانگین = امتیاز = ضریب اهمیت
پرداخت به موقع عوارض و مالیات‌های گوناگون	٪۱۶
کمک مالی به منظور اجرای برنامه‌ها و طرح‌های شهرداری	٪۱۹
سرمایه‌گذاری مشترک با نهادهای اداره‌کننده شهری	٪۶۵

(منبع: نگارنده، ۱۳۹۴)

ناسازگاری^۱، وسیله‌ای است که سازگاری را مشخص ساخته و نشان می‌دهد که تا چه حد می‌توان به اولویت‌های حاصل از مقایسه‌ها اعتماد کرد. تجربه نشان داده است که اگر نرخ ناسازگاری کمتر از ۰/۱ باشد، سازگاری مقایسه‌ها قابل قبول بوده و در غیر این صورت مقایسه‌ها باید تجدیدنظر شود. نرخ سازگاری با

تقریباً همه محاسبات مربوط به فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی براساس قضاوت اولیه تصمیم‌گیرنده که در قالب ماتریس مقایسه‌های زوجی ظاهر می‌شود، صورت می‌پذیرد و هرگونه خطا و ناسازگاری در مقایسه و تعیین اهمیت بین گزینه‌ها و شاخص‌ها نتیجه نهایی به دست آمده از محاسبات را مخدوش می‌سازد. نرخ

توجه به اعداد به دست آمده در این پژوهش، برای مشارکت مالی ۰/۰۲ است؛ بنابراین، اطمینان از سازگاری نظرات کارشناسان وجود دارد.

λ_{max}	CI	RI	CR	نتیجه
۳/۰۲	۰/۰۱	۰/۵۸	۰/۰۲	سازگار

همه این مراحل برای زیرمعیارهای دیگر مشارکت و مشارکت کلی در ادامه آورده شده است.

جدول ۷. وزن‌دهی زیرمعیارهای مشارکت ذهنی - معنوی نسبت به هم

مشارکت در تصمیم‌گیرهای محله	میزان اعتماد به سازمان‌های شهری	تمایل به همکاری معنوی با سازمان‌های شهری	توجه به امور محله	مشارکت ذهنی - معنوی
۰/۲۹	۰/۳۴	۰/۳۱	۱	توجه به امور محله
۰/۳۹	۱/۸۹	۱	۳/۲۵	تمایل به همکاری معنوی با سازمان‌های شهری
۰/۲۷	۱	۰/۴۶	۲/۹۳	میزان اعتماد به سازمان‌های شهری
۱	۳/۷۳	۲/۵۵	۳/۴۴	مشارکت در تصمیم‌گیرهای محله

(منبع: نگارنده، ۱۳۹۴)

جدول ۸. جدول نرمال شده AHP برای زیرمعیارهای مشارکت ذهنی - معنوی

معیار	میانگین = امتیاز = ضریب اهمیت
توجه به امور محله	٪۱۷
تمایل به همکاری معنوی با سازمان‌های شهری	٪۴۳
میزان اعتماد به سازمان‌های شهری	٪۹
مشارکت در تصمیم‌گیری محله	٪۳۱

(منبع: نگارنده، ۱۳۹۴)

λ_{max}	CI	RI	CR	نتیجه
۴/۱۳	۰/۰۴	۰/۹	۰/۰۵	سازگار

جدول ۹. وزن‌دهی زیرمعیارهای مشارکت در تأمین نیروی انسانی نسبت به هم

مشارکت در تأمین نیروی انسانی	کمک به نظافت و جمع‌آوری زباله‌ها در محله	کمک به ایجاد فضای سبز و درختکاری در محله	کمک به ایجاد فضاهای تفریحی، آموزشی و ورزشی در محله	فعالیت داوطلبانه در برگزاری برنامه‌ها و مراسم محله	حضور فعال در مواقع بحران مانند سیل و کمک‌رسانی در محله
کمک به نظافت و جمع‌آوری زباله‌ها در محله	۱	۰/۶۱	۲/۱۷	۰/۲۸	۰/۲۳
کمک به ایجاد فضای سبز و درختکاری در محله	۱/۶۴	۱	۳/۵۷	۰/۳۶	۰/۲۴

کمک به ایجاد فضاهای تفریحی، آموزشی و ورزشی در محله	۰/۴۶	۰/۲۸	۱	۰/۳۳	۰/۲۵
فعالیت داوطلبانه در برگزاری برنامه‌ها و مراسم محله	۱/۹۳	۲/۷۷	۳	۱	۰/۳۱
حضور فعال در مواقع بحران مانند سیل و کمک‌رسانی در محله	۴/۳۷	۴/۱۸	۴	۳/۱۸	۱

(منبع: نگارنده، ۱۳۹۴)

جدول ۱۰. جدول نرمال شده AHP برای زیرمعیارهای مشارکت در تأمین نیروی انسانی

معیار	میانگین = امتیاز = ضریب اهمیت
کمک به نظافت کوچه‌ها و جمع‌آوری زباله‌ها در محله	٪۱۰
کمک به ایجاد فضای سبز و درختکاری در محله	٪۱۵
کمک به ایجاد فضاهای تفریحی، آموزشی و ورزشی در محله	٪۷
فعالیت داوطلبانه در برگزاری برنامه‌ها و مراسم محله	٪۲۲
حضور فعال در مواقع بحران مانند سیل و کمک‌رسانی در محله	٪۴۷

(منبع: نگارنده، ۱۳۹۴)

λ_{max}	CI	RI	CR	نتیجه
۵/۱۷	۰/۰۴	۱/۱۲	۰/۰۴ < ۰/۱	سازگار

جدول ۱۱. وزندهی زیرمعیارهای مشارکت سیاسی نسبت به هم

مشارکت سیاسی	مشارکت در انتخابات شورای اسلامی شهر	حضور در جلسات علنی شورای شهر	شرکت در انتخابات و جلسات شورای محله
مشارکت در انتخابات شورای اسلامی شهر	۱	۰/۳	۲/۶
حضور در جلسات علنی شورای شهر	۲/۹	۱	۳/۵
شرکت در انتخابات و جلسات شورای محله	۰/۴	۰/۳	۱

(منبع: نگارنده، ۱۳۹۴)

جدول ۱۲. جدول نرمال شده AHP برای زیرمعیارهای مشارکت سیاسی

معیار	میانگین = امتیاز = ضریب اهمیت
مشارکت در انتخابات شورای اسلامی شهر	٪۲۷
حضور در جلسات علنی شورای شهر	٪۶۰
شرکت در انتخابات و جلسات شورای محله	٪۱۴

(منبع: نگارنده، ۱۳۹۴)

λ_{max}	CI	RI	CR	نتیجه
۳/۰۶	۰/۰۳	۰/۵۸	۰/۰۶ < ۰/۱	سازگار

جدول ۱۳. وزن‌دهی معیارهای مشارکت نسبت به هم

مشارکت	مشارکت مالی	مشارکت ذهنی و معنوی	مشارکت در تأمین نیروی انسانی	مشارکت سیاسی
مشارکت مالی	۱	۰/۳۱	۰/۳۴	۰/۲۹
مشارکت ذهنی و معنوی	۳/۲۵	۱	۱/۸۹	۰/۳۹
مشارکت در تأمین نیروی انسانی	۲/۹۳	۰/۴۶	۱	۰/۲۷
مشارکت سیاسی	۳/۴۴	۲/۵۵	۳/۷۳	۱

(منبع: نگارنده، ۱۳۹۴)

جدول ۱۴. جدول نرمال‌شده AHP برای معیارهای مشارکت

معیار	میانگین = امتیاز = ضریب اهمیت
مشارکت مالی	٪۹
مشارکت ذهنی و معنوی	٪۲۵
مشارکت در تأمین نیروی انسانی	٪۱۷
مشارکت سیاسی	٪۴۹

(منبع: نگارنده، ۱۳۹۴)

λ_{max}	CI	RI	CR	نتیجه
۴/۱۶	۰/۰۵	۰/۹۰	۰/۰۶	سازگار

همانطور که از امتیازات و رتبه‌های هرکدام از زیرمعیارها در محله‌ها در جدول مشخص است، در هر دو محله مطهری و مسجد ملک بیش‌ترین تمایل به مشارکت‌پذیری مربوط به مشارکت سیاسی و حضور در جلسات علنی شورای شهر است و کمترین میزان مشارکت‌پذیری در پرداخت عوارض و مالیات‌های گوناگون است. در محله مطهری بیش‌ترین میزان تمایل به مشارکت‌پذیری در پنج مورد برتر عبارت‌اند از: حضور در جلسات علنی شورای شهر، مشارکت در انتخابات شورای اسلامی شهر، تمایل به همکاری معنوی با سازمان‌های شهری، حضور فعال در مواقع بحران مانند سیل و کم‌کسانی در محله، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محله. در محله مسجد ملک بیش‌ترین میزان تمایل به مشارکت‌پذیری در پنج مورد برتر عبارت‌اند از: حضور در جلسات علنی شورای شهر، تمایل به همکاری معنوی با سازمان‌های شهری، مشارکت در انتخابات شورای اسلامی شهر، شرکت در انتخابات و جلسات شورای محله، حضور فعال در مواقع بحران مانند سیل و کم‌کسانی در محله.

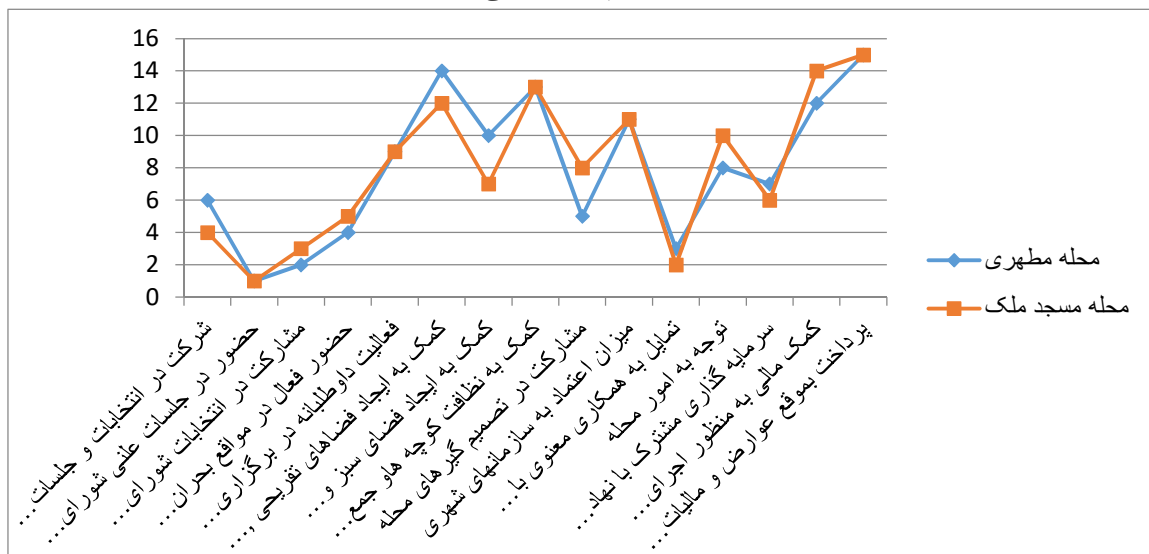
به همین ترتیب پس از اخذ نظرات کارشناسان، تحلیل AHP و تعیین نرخ سازگاری و اطمینان از سازگاری نظرات به ترکیب امتیاز عوامل می‌پردازیم. در این مرحله امتیاز یا ضریب اهمیت هرکدام از عوامل مشخص می‌شود. ذکر این نکته الزامی است که برای تعیین امتیاز کلی هر زیرمعیار، باید امتیاز آن زیرمعیار را در امتیاز معیارهای کلی‌تر ضرب کرده و امتیاز حاصل شده را به‌عنوان امتیاز هر عامل جزئی لحاظ کرد. در قدم بعد برای تعیین میزان اهمیت نهایی هرکدام از زیر گزینه‌ها از ترکیب نظرات ساکنان محله که از طریق پرسشنامه به‌دست آمده و ضریب اهمیت تعیین شده توسط کارشناسان استفاده می‌کنیم. بدین صورت که میزان امتیاز هرکدام از عوامل را در امتیاز کسب‌شده به‌وسیله هر گزینه از جانب ساکنان محله‌ها و طبق روش لیکرت ضرب کرده و حاصل را به‌عنوان امتیاز نهایی هر گزینه لحاظ می‌کنیم. جدول شماره ۱۵ وزن و رتبه هر زیرمعیار را در دو محله نشان می‌دهد.

جدول ۱۵. امتیاز و رتبه معیارها و زیرمعیارهای مشارکت در محله مسجد ملک و مطهری

هدف	معیارهای سطح اول	معیارهای سطح دوم	رتبه (محله مطهری)	امتیاز (محله مطهری)	رتبه (محله مسجد ملک)	امتیاز (محله مسجد ملک)
تمایل مشارکت‌پذیری	مشارکت مالی	پرداخت به‌موقع عوارض و مالیات‌های گوناگون	۱۵	۴,۳۲	۱۵	۳,۱۸
		کمک مالی به‌منظور اجرای برنامه‌ها و طرح‌های شهرداری	۱۴	۵,۵۷	۱۲	۴,۶۹
		سرمایه‌گذاری مشترک با نهادهای اداره‌کننده شهری	۶	۱۹,۴۸	۷	۱۹,۳۳
	مشارکت ذهنی - معنوی	توجه به امور محله	۱۰	۱۳,۹۸	۸	۱۱,۵۲
		تمایل به همکاری معنوی با سازمان‌های شهری	۲	۴۱,۵۰	۳	۳۴,۲۹
		میزان اعتماد به سازمان‌های شهری	۱۱	۶,۱۴	۱۱	۹,۳۶
		مشارکت در تصمیم‌گیرهای محله	۸	۲۶,۹۷	۵	۱۵,۰۸
	مشارکت در تأمین نیروی انسانی	کمک به نظافت کوچه‌ها و جمع‌آوری زباله‌ها در محله	۱۳	۵,۱۹	۱۳	۵,۱۸
		کمک به ایجاد فضای سبز و درختکاری در محله	۷	۷,۰۱	۱۰	۱۶,۱۲
		کمک به ایجاد فضاهای تفریحی، آموزشی و ورزشی در محله	۱۲	۴,۶۲	۱۴	۵,۲۱
		فعالیت داوطلبانه در برگزاری برنامه‌ها و مراسم محله	۹	۱۲,۵۳	۹	۱۲,۰۶
		حضور فعال در مواقع بحران مانند سیل و کمک‌رسانی در محله	۵	۲۷,۰۸	۴	۲۱,۳۶
	سپاسی مشارکت	مشارکت در انتخابات شورای اسلامی شهر	۳	۴۸,۵۵	۲	۳۳,۲۱
		حضور در جلسات علنی شورای شهر	۱	۱۱۰,۲۵	۱	۷۷,۰۳
		شرکت در انتخابات و جلسات شورای محله	۴	۲۲,۷۱	۶	۲۲,۲۰

(منبع: نگارنده، ۱۳۹۴)

در انتها این عوامل در دو محله در قالب یک نمودار با هم مقایسه می‌شوند:



شکل ۵. مقایسه رتبه زیرمعیارهای تشکیل‌دهنده ظرفیت مشارکت‌پذیری در دو محله مطهری و مسجد ملک

(منبع: نگارنده، ۱۳۹۴)

نتایج حاصل از بررسی عوامل تأثیرگذار شخصی و خانوار بر مشارکت‌پذیری شهروندان که برگرفته از ادبیات نظری و تحقیقات و مطالعات پیشین مرتبط با مشارکت بوده، نشان داد که جنسیت، تمایل به محله و عضویت در نهادها و انجمن‌ها با میزان مشارکت‌پذیری رابطه معناداری دارند؛ از این‌رو، با اتخاذ رویکردهای متناسب می‌توان نقش هر یک از این عوامل را تقویت کرده تا میزان تمایل به مشارکت شهروندان را ارتقا داده و در نهایت چنین تمایلاتی به رفتار مشارکتی بیانجامد. در هر دو محله در میان دو گروه زنان و مردان، مردان تمایل بیشتری به مشارکت در حوزه‌های مختلف دارند. در چرای اینک که چرا مردان بیش‌تر از زنان دارای تمایلات مشارکتی هستند، می‌توان گفت چنین وضعیتی ممکن است متأثر از حضور بیش‌تر مردان در فعالیتهای بیرون از منزل و مرتبط با امور شهری باشد که چنین فرصتی برای زنان کمتر پیش می‌آید. همچنین تمایل و علاقه به محله باعث می‌شود میزان تمایل به مشارکت در امور مختلف محله بیش‌تر شود. با توجه به موضوع تأثیر عضویت شهروندان در نهادها، انجمن‌ها، گروه‌ها و تشکل‌ها بر تمایلات مشارکتی آن‌ها در حوزه فعالیت‌های شهرداری و با در نظر گرفتن نهادهایی که شهروندان در آن عضویت دارند، فراهم کردن زمینه و بستر برای تقویت این‌گونه نهادها و سازمان‌ها و نیز شکل‌گیری آن‌ها و ارتقاء ارتباطات و تعامل شهرداری با این نهادها و سازمان‌ها و تلاش بیش‌تر در جلب مشارکت آنها ضروری به نظر می‌رسد. در ارتباط با وضعیت موجود مشارکت در هر دو محله، بالاترین میزان تمایل به مشارکت مربوط به مواردی است که در سطوح پایینی از عمق مشارکت قرار گرفته‌اند. به این صورت که کمترین سطوح از مشارکت که به صورت ذهنی-معنوی و مشارکت سیاسی است که شهروند فقط ذهنش درگیر مسائل شهری است و یا نهایتاً در جلسه‌ای برای رأی‌دادن و یا اظهار نظر حضور پیدا می‌کند، بالاترین میزان تمایل را در هر دو محله داراست و برعکس در مشارکت مالی و تأمین نیروی انسانی که در سطوح

همانطور که از شکل ۵ مشخص است، از میان معیارهای بررسی شده پنج معیار در هر دو محله دارای رتبه‌ای برابر هستند که عبارت‌اند از: حضور در جلسات علنی شورای شهر، فعالیت داوطلبانه در برگزاری برنامه‌ها و مراسم محله، میزان اعتماد به سازمان‌های شهری، کمک به نظافت کوچه‌ها و جمع‌آوری زباله‌ها در محله، پرداخت به موقع عوارض و مالیات‌های گوناگون.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی مشارکت و برنامه‌ریزی مشارکتی از دو جهت تأثیر اساسی در فرایند طرح‌های توسعه شهری دارد. نخست این که مشارکت یکی از ابزارهای لازم برای دستیابی به شناخت و تصمیم‌گیری درست محسوب می‌شود که از طریق مراجعه به خرد جمعی، بهره‌گیری از تبادل نظر و توافق‌های گروه‌های مؤثر در طرح‌ها به دست می‌آید. دوم این که مشارکت تنها راه بهره‌گیری از همه امکانات طبیعی و انسانی شهر و شهروندان در جهت طرح‌های توسعه شهری است. به‌طور خلاصه، رویکرد مشارکتی به‌عنوان مبنای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری جمعی در عرصه برنامه‌ریزی و مدیریت یکی از ابزارهای توسعه پایدار، جامعه مدنی و دموکراسی محسوب می‌شود. همانطور که بیان شد، برنامه‌ریزی مشارکتی مستلزم آگاهی از ظرفیت محیط و آشنایی و شناخت فضای مورد برنامه‌ریزی است. در این راستا با توجه به تفاوت محله‌های شهری در ابعاد مختلف فضایی، مطالعه جداگانه محله‌ها و آشنایی با ظرفیت و تمایلات مشارکت‌پذیری مردم به‌منظور پایه‌گذاری برنامه‌ریزی مشارکتی در محله‌های مختلف ضروری است. بافت‌های قدیم و جدید شهری نیز به‌عنوان بافت‌هایی با ویژگی‌های مجزا از هم، مطالعه جداگانه‌ای را برای برنامه‌ریزی مشارکتی می‌طلبد. در مطالعه و ارزیابی توان و تمایل مشارکت‌پذیری محله‌های جدید و قدیم با نمونه موردی محله مسجد ملک (بافت قدیم) و محله مطهری (بافت جدید) شهر کرمان نتایجی به دست آمد.

قدیم، بافت‌های جدید شهری قرار دارند که دارای خصوصیات مجزا از بافت‌های فرسوده می‌باشند. این بافت‌ها با توجه به نحوه شکل‌گیری خود عمدتاً از نظر خدمات و سلسله‌مراتب خدمات شهری از وضعیت نسبتاً بهتری در مقایسه با بافت‌های قدیم برخوردار می‌باشند. افراد ساکن در محله مطهری از سطوح بالاتر جامعه هستند و آگاهی بیشتری به مسائل اجتماعی و محله خود و نهایتاً برنامه‌ریزی مشارکتی دارند.

در انتها چنین برداشت می‌شود که برای حضور هرچه بیش‌تر شهروندان و تشویق آنان به مشارکت جمعی باید به خواست‌ها و نظراتشان توجه شود و با تشکیل شوراهای همیاری محلی، نه‌تنها مشکلات در بافت‌های شهری و محله‌ها توسط خود ساکنان به‌صورت عمقی، ریشه‌یابی شود؛ بلکه مسئولیت شهرداری‌ها، شوراهای شهر و نمایندگان منتخب مردم نیز کمتر شود و بهتر بتوانند به عملکردهای اجراشده رسیدگی کنند.

منابع

ابراهیم‌زاده، عیسی؛ فاطمی‌نژاد، خدیجه. (۱۳۹۳). تحلیلی بر مشارکت شهروندی و مدیریت شهری در شهرهای کوچک (مطالعه موردی: شهر کوچک یونسی). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، سال پنجم، شماره ۱۶، صص ۳۸-۱۹.

اقتصادی، نهال. (۱۳۹۲). مشارکت شهروندان، کلید توسعه پایدار اجتماعی در محله‌های شهری (مطالعه موردی: محله باغشاه شهر شیراز). هویت شهر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، سال هفتم، شماره ۱۶، صص ۹۷-۸۱.

باقری بنجار، عبدالرضا؛ رحیمی، ماریا. (۱۳۹۱). بررسی رابطه میزان احساس تعلق اجتماعی شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنان (مطالعه موردی: شهر تهران). فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، سال دوم، شماره ۵، صص ۲۹-۱۸.

پوراحمد، احمد؛ حبیبی، لیلا؛ جعفری مهرآبادی، مریم. (۱۳۹۱). نظریات فارابی و کاربرد آن در باب مشارکت شهروندی. نشریه باغ نظر، پژوهشکده نظر، سال نهم، شماره ۲۱، صص ۲۰-۱۳.

حسین‌زاده، ع.ج. علی حسین؛ ایدر، نبی‌الله؛ عباسی، الف‌الهام. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندی در بین شهروندان شهر خرم‌آباد. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی

عمقی مشارکت قرار می‌گیرند، از کمترین میزان مشارکت برخوردار است؛ بنابراین، این موضوع بیانگر این است که مردم علاقمند به مشارکت در اداره امور شهر خود هستند، اما یا ساختارهای مشارکت در مدیریت شهری سازوکاری را فراهم نکرده که مردم بتوانند مشارکت عمیق‌تری داشته باشند و یا مردم خواستار مشارکت بیش‌تر و در سطوح عمیق‌تر نیستند که به‌نظر می‌رسد فرض اول قابل‌قبول‌تر است. به هر ترتیب تمایل به مشارکت شهروندان در این حوزه درخور اهمیت است؛ زیرا آنچه مشارکت شهروندان در اداره امور شهر را مهم جلوه می‌دهد، تأکید بر درگیر کردن شهروندان در این حیطه است؛ زیرا این شهروندان هستند که بهتر می‌توانند در تصمیم‌گیری و مدیریت امور خود و بهبود وضعیت محله نقش بسزایی داشته باشند و همکاری شهروندان در دیگر ابعاد مشارکتی در مراتب بعدی اهمیت قرار دارد. در مقایسه میزان تمایل به مشارکت‌پذیری بین دو محله با بافت قدیم و جدید شهری، شاهد تمایل بیش‌تر مشارکت میان ساکنان بافت جدید شهری (محله مطهری) هستیم. در محله مسجد ملک که دارای بافت قدیمی است با توجه به مسائل متعدد در ابعاد مختلف جغرافیایی چون نارسایی خدمات، کیفیت نامناسب مسکن، نارسایی شبکه عبور و مرور و... انتقال تدریجی ساکنان قدیمی و جایگزین شدن طبقه فرودست جامعه و افراد مهاجر روستایی و افغانه صورت گرفته است و این موضوع باعث شده که با وجود همبستگی بالای اجتماعی میان ساکنان این نوع محله‌ها در گذشته، امروزه به‌دلیل عملکرد موازی و غیربرنامه‌ریزانه در کنار نادیده‌انگاشته شدن محله‌ها از سوی مدیریت‌های مختلف شهری، این همبستگی از بین رفته و درنهایت ظرفیت و توان موجود مشارکت به‌صورت هدفمند مورد استفاده قرار نگیرد. این عامل در کنار عواملی چون فقر شهری حاکم بر محله (که البته می‌توان آن را با برنامه‌ریزی مشارکتی تعدیل کرد)، باعث شده است تا این محله در مقایسه با محله جدید شهری دارای تمایلات مشارکتی کمتری باشد. در نقطه‌مقابل بافت

عبداله پور، جمال؛ مختاریپور، حسن. (۱۳۹۲). مشارکت‌پذیری شهروندان تهرانی در حوزه وظایف شهرداری (مطالعه موردی: شهروندان منطقه ۴ شهرداری تهران). نشریه مدیریت شهری، سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، شماره ۳۱، صص ۱۷۴-۱۵۷.

عبدی دانش پور، زهره. (۱۳۸۷). نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

علوی تبار، علی. (۱۳۸۲). الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.

علیزاده اقدام، محمد باقر؛ عباس‌زاده، محمد؛ کوهی، کمال؛ مختاری، داوود. (۱۳۹۲). نهادهای شهری و مشارکت شهروندان در اداره امور شهری (مطالعه موردی: شهر اصفهان)، نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دانشگاه تهران، دوره ۴۵، شماره ۲، صص ۲۱۴-۱۹۵.

علیزاده، کاوه؛ رضوی‌نژاد، محمد؛ رادفر، محسن. (۱۳۹۲). بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری (نمونه موردی: منطقه ۱۰ شهرداری شهر مشهد). فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه مازندران، سال اول، شماره اول، صص ۸۷-۶۱.

قدسی‌پور، حمید. (۱۳۹۱). مباحثی در تصمیم‌گیری چندمعیاره. تهران: انتشارات دانشگاه امیرکبیر.

قدیری، لیلا. (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز). پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناختی، دانشگاه شیراز.

کلیتون، ا‌الیس؛ اوکلی، پرت؛ پرات، بی‌زو. (۱۳۸۶). توانمندسازی مردم. ترجمه پیروز ایزدی. نشریه روستا و توسعه، شماره ۵۵، صص ۲۶-۱۸.

محسنی، رضا. (۱۳۸۳). جنبه‌های اجتماعی مدیریت کلان‌شهرها با تأکید بر مشارکت شهروندان. فصلنامه مدیریت فردا، سال دوم، شماره ۷ و ۸، صص ۹۰-۸۳.

مطالعات طرح تفضیلی کرمان. (۱۳۹۰). مشاور شهر و اندیشه مانا. مهدی‌زاده، جواد. (۱۳۸۲). توسعه شهری. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.

موسایی، میثم؛ رضوی‌اله‌اشم، بهزاد. (۱۳۸۹). بررسی (SWOT) مشارکت شهروندان در امور شهری. فصلنامه رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، سال یازدهم، شماره ۴۱، صص ۱۵۲-۱۲۳.

شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، سال دوم، شماره دوم، صص ۸۲-۵۹.

حسینی، هادی؛ قدرتی، حسین؛ میره، محمد؛ زنگنه، یعقوب. (۱۳۹۲). پایداری شهری بر بنیان توسعه مشارکت شهروندی (مطالعه موردی: شهر سبزوار). نشریه جغرافیا و پایداری محیط، دانشگاه رازی کرمانشاه، شماره ۶، صص ۶۶-۴۱.

حکمت‌نیا، حسن؛ موسوی، نجف. (۱۳۸۱). تحلیل تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۸۰، صص ۱۴۵-۱۳۱.

خادم‌الحسینی، ال احمد؛ قدرجانی، راضیه؛ زاهدی یگانه، امیر. (۱۳۹۰). اداره مردمی شهر و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری (مطالعه موردی: منطقه ۵ شهرداری اصفهان)، فصلنامه آمایش محیط، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر، شماره ۱۷، صص ۱۶۹-۱۵۳.

دویران، ال اسماعیل؛ توکلی‌نیا، جمیله؛ غلامی، سعید؛ دانش دوست، مهرداد. (۱۳۹۳). سنجش تطبیقی ظرفیت مشارکت‌پذیری ساکنان در بافت‌های جدید و قدیم شهری با استفاده از مدل AHP. نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه تبریز، سال ۱۸، شماره ۴۸، صص ۱۴۸-۱۲۳.

رجبی، آریتا. (۱۳۹۰). شیوه‌های مشارکت شهروندی در فرایندهای توسعه شهری. فصلنامه آمایش محیط، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر، شماره ۱۲، صص ۱۱۶-۱۰۱.

رهنما، محمد. (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی مناطق مرکزی شهرها. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.

زاهد زاهدانی، سعید؛ زهری بیدگلی، محسن. (۱۳۹۱). مدیریت شهری و تبیین مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری. نشریه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۲۰-۸۳.

زیاری، کرامت اله؛ زندوی، مجددالدین؛ آقاجانی، محمد؛ مقدم، محمد. (۱۳۸۸). بررسی مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهرهای کوچک (نمونه موردی: شهرهای گله‌دار، ورزنه و هیدج). نشریه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱۳، صص ۲۳۵-۲۱۱.

زیاری، کرامت اله؛ نیک پی، وحید؛ حسینی، علی. (۱۳۹۲). سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری براساس الگوی حکمرانی خوب شهری (مطالعه موردی: شهر یاسوج). نشریه مسکن و محیط روستا، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شماره ۱۴۱، صص ۸۶-۶۹.

- Institutional Collectivism, *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 4(39), 447-462.
- Bannet, Feder. (2004). *Development of social security*. Bristol: The Policy Press.
- Froster, Jameston. (1999). *The deliberative practitioner*. New york: The mitpressus.
- Kastlunger, Barons; Iozza, Edward; Kirchler, Elvass; Schabmann. (2013). Powerful authorities and trusting citizens. *Journal of Economic Psychology*, (34), 36-45.
- Lerner, Daglas. (1964). *The passing of traditional Society*. New York: The Macmillan com.
- Luliana, Welfst. (2013). The Uropean Civil Law Cooperation. *Social and Behavioral Sciences*, (81), 291-295.
- Sen, Arzava. (1999). *Development as freedom*. London: Oxford university Press.
- موسایی، میثم؛ شیانی، ملیحه. (۱۳۸۹). مشارکت در امور شهری و الزامات آن در شهر تهران. فصلنامه رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۲۴۵-۲۶۸.
- وحیدآ، فریدون؛ نیازی، محسن. (۱۳۸۳). تأملی در مورد رابطه بین ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان، نامه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره ۲۳، صص ۱۱۷-۱۴۵.
- هانینگتون، ساروس. (۱۳۸۵). سازمان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر علم.
- Allik, James., Realo, Alako. (2008). *Radius of Trust Social Capital in Relation to Familism and*

